

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سازمان انقلابی افغانستان

۲۰ می ۲۰۱۳



دو کیشوت های «مائویست»

بیماران روانی با لاطائلات «مائویستی»

(۸)

«زبان انجوتی» مخرج مشترک دیگر «مائویست ها» و «عمدتاً مائویست ها» علیه سازمان انقلابی افغانستان است. «مائویست ها» می نویسند: «در این بخش قبل از آنکه به اصل مطلب بپردازیم بر روی "زبان انجوتی"، زبانی که "سازمان انقلابی افغانستان" با آن صحبت میکند، بطور مختصر مکث میکنیم. "زبان انجوتی" زبان گزارش واقعات یا زبان رسانه‌ئی است. در این زبان نویسنده‌الی نه‌ایه بدون آنکه مسایل را بشکافد و یا از بطن وقایع نتایج {نتایج یا نتایج} مطلوب را بیرون بکشد و آنرا بطور مشخص با مسایل دیگر بطور دیالکتیکی مربوط ساخته برله یا علیه آن موضع بگیرد، مینویسد... به اینصورت می بینیم که این سازمان درحالیکه حتی از نظر سواد سیاسی و معلومات عمومی در حدی نیست که "سازمان" به مفهوم یک تشکل واقعا طبقاتی (ولی بورژوازی) باشد ولی رهبران آن با همان سبک انجوتی بدون آنکه به علل و عوامل مسایل و دیالکتیک حرکت و تکامل بیاندهند، جسارت های خنده آوری را در جهت سبک ساختن تشکل های انقلابی افغانستان انجام میدهند... رهبران سازمان انقلابی افغانستان که در دبستان انجوتی سازمان رهائی و سپس آموزشگاه «انجوتی رسانه ای» تربیه دیده هم گرامر این زبان را یاد گرفته اند و بافت واژه های آنرا و اکنون آنرا با اندک «لهجه» صحبت میکنند».

و «عمدتاً مائویست ها» از «شورش های» عقب نماده، چنین هرزه گویی می کنند: «زبان انجوتی "انقلابی" ها ریشه در گذشته ی "مزدور منشانه" و "امتیاز سندن" های سازمان رهایی دارد».

در پاراگراف بالا، تنها چیزی را که می توان دید، یک بافت زشت از تار و پود دروغ و یاوه سرایی است. ما قبلاً در زمینه «اینجو رسانه ای» از «صدر» خواسته بودیم که اسنادش را به جنبش ارائه کند، که تا حال چنین سندی ارائه نشده است، حال که «مائویست ها» شوق کرده اند تفرقه «صدر» را با بیشرمی بچوند، اختیار دارند!!

«مائویست ها» از جمله دیده درایانی هستند که دیده درایی «پرچی» ها و «خلقی» ها را در ذهن نداعی می کنند. از یکسو می نویسند که «این سازمان در حالی که از نظر سواد سیاسی و معلومات عمومی در حدی نیست که

«سازمان» به مفهوم یک تشکل واقعاً طبقاتی (ولی بورژوازی) باشد...»، ولی از سوی دیگر در «نقدی بر مواضع اپورتونیستی سازمان انقلابی افغانستان» می نویسند که «از مدتی به این طرف نوشته ها و اعلامیه های بنام سازمان انقلابی افغانستان در سایت... «افغانستان آزاد- آزاد افغانستان» به نشر می رسد. با وجودی که بسا از مطالب این نوشته ها قابل استفاده است...»؛ ایشان به این گونه نشان می دهند که سخن اول شان دروغ و سخن دوم شان حيله گرانه است، زیرا هنوز چند روزی از این حيله گری نگذشته بود که نوشتند: «موج دوم حملات سایت... افغانستان آزاد بعد از دایر شدن کنگره سازمان انقلابی - بخوان بخش انجوائی رسانه ئی واستفراق {استفراق} سازمان رهائی آغاز گردید.» (باز هم به پاسخ حملات خصمانه، لمپنازه و فحش گونه سایت دو سره استخباراتی افغانستان آزاد- آزاد افغانستان» ۸ حمل ۱۳۹۲).

«مانویست ها» به خوبی می فهمند که ما «استفراق» رهائی نیستیم، مثلی که ایشان استفراق و قی شده های «ساما» هستند. زیرا، همه می دانند که ما با «رهایی» قطع رابطه و علیه انحرافات او مبارزه کردیم، نه اینکه «استفراق» شده باشیم. ولی جالب اینست که تا چند پیش، قسمت عمده، «استفراق» «رهایی» برای اینان «قابل استفاده» بوده است؛ اگر واضحتر صحبت کنیم، ایشان قسمت اعظم «استفراق» «رهایی» را با اشتهای تام بلعیده و از آن به گفته خود شان «لذت» برده اند و از اینکه «لذت» برده اند، ما را از طریق ایمیل اطمینان داده اند. نوش شان باد!

و اما در مورد «زبان انجوائی» بهتر خواهد بود تا مثالی از هر دو طرف آورده شود که خوانندگان قضاوت کنند که کی با «زبان اینجوائی» و آنهم با لهجه غلیظ نوع «مجددی و پیر سید احمد گیلانی» صحبت می کند، ما یا «مانویست های» دروغگو؟ با این مثال خوب است ببینم که کی به «زبان اینجوائی» که در آن «نویسنده الی نهایی بدون آنکه مسایل را بشکافد و یا از بطن وقایع نتایج {منظور «علامه ها» نتایج یا نتایج است} مطلوب را بیرون بکشد و آن را بطور مشخص با مسایل دیگر بطور دیالکتیکی مربوط ساخته برله یا علیه آن موضع بگیرد» استفاده می کند؟

«مانویست ها» در مورد انجوائیم «حزب» که آن را از جمله «رهزنان اینجوائی» می خوانند، می نویسند: «فساد در حلقه رهبری به حدی رسیده که آنها اینجو های شان را کار برای کمونیزم و سوسیالیزم {البته منظور علامه ها سوسیالیزم و کمونیزم است}، جنگ خلق و رهائی مردم کشور از چنگال اشغال امپریالیست ها می خوانند»، در «حالیکه در تمام کنفرانس های بازسازی افغانستان در لندن، ژنیو، برلین و توکیو شرکت می کنند، علیه سلطه امپریالیزم و بازسازی افغانستان نیز چیزهای را نجوا می کنند»، «... ما می دانیم که طالبان ظاهر قضیه اند و در عقب آنها در گام اول آی. اس. آی و در پله بالاتر از آن سی. آی. ای قرار داشت، آیا مسئله در حدود مولوی آخذ زاده باقی می ماند که گفته می شود و یا اینکه ارتباط طالبان و آی. اس. آی و سی. آی. ای ارتباط تشکیلاتی و گزارشده می و بررسی گزارش بود؟»

«مانویست ها» نه تنها «حزب» را اینجوباز و رهزن اینجوائی می خوانند، بلکه مسؤولیت بسیار بزرگ به دوش می گیرند و «حزب» را متهم به جاسوسی به «آی. اس. آی» و «سی. آی. ای» نیز می کنند. اجازه بدهید واضحتر بگویم: «مانویستها» می گویند که «حزب» نوکر و مخبر «آی. اس. آی»، «سی. آی. ای» و «طالبان» است. چنین «حزبی» (تعریفی که «مانویست ها» از آن ارائه می کنند) کمونیست چه، که ملی هم بوده نمی تواند و بر نیروهای کمونیست است که این «حزب» و حمایت کننده های آن را یکجا با نوکران پوشالی و اشغالگران از سر راه بردارند. درست می گوئیم آقایان «مانویست»؟

ولی از آنجائی که «مائویست ها» بر خوان بزرگ انجوایزم «حزب» خورده اند، نوشیده اند و کیف کرده اند، آروغ های «حزبی» تحویل می دهند و بدون اینکه «به علل و عوامل مسایل و دیالکتیک حرکت و تکامل بیاندهند، جسارت های خنده آوری» انجام می دهند مبنی بر اینکه: «تا زمانیکه این حزب انجوبازی می کرد، ما علیه این خطای آنها مبارزه می کردیم و اکنون که آنها می گویند دیگر انجو ندارند، ما حرف های آنها را قبول می کنیم و علیه آنها در مورد چیزی نمی گوئیم و حتی اسنادی را که در مورد انجوبازی های آنها داریم بیرون نمی دهیم، زیرا تثبیت این مسئله از نظر سیاسی دیگر معنی ندارد!» آیا «حزبی» که متهم به جاسوسی به اشغالگران و نوکران منطقه ئی آن شده است، با چنین کاسبکاری «مائویست ها» می توان باور کرد که همه چیز در آن گل و گلزار است؛ نه جاسوسی در کار بوده و نه هم مخبری، و دو تا اوستک «مائویست» با هم جوت شده، یکدیگر را نوکر و مخبر گفته که «انشاءالله» به خیر گذشته است؟ آیا «دیالکتیک حرکت و تکامل «مائویستی» همین است که ما از آن خبر نداشتیم؟ مبارک باشد! کشف «دیالکتیک جدید و کاغذ پیچ «مائویستی»» تان مبارک، چشم بد دور!!!

خوب است اینجا از «کارگران» بپرسیم، شما که باور دارید که «تاخت و تاز رویونیست ها بر مائویست های افغانستان و حزب کمونیست (مائونیست) افغانستان، تاخت و تاز بر سازمان کارگران افغانستان است، و به همین ترتیب، تاخت و تاز بر سازمان کارگران افغانستان، بخشی از تاخت و تاز بر جنبش مائونیستی کشور محسوب میشود»، درمورد جاسوس خواندن و مخبر خواندن «حزب» کمونیست (مائویست) افغانستان از طرف «مائویست های افغانستان» چه می فرمائید؟ این را نیز «تاخت و تاز بر سازمان کارگران افغانستان... و بخشی از تاخت و تاز بر جنبش مائونیستی کشور» می دانید یا خیر؟! معلوم می شود که پاسخ تان منفی است، زیرا شما چک چکی های «مائویست های افغانستان» هستید و چه معلوم که دواهای بیماری روانی و عصبی تان را از برکت «اینجوایزم» «حزب»، البته از طریق «مائویست های افغانستان» به دست آورده باشید!!

ما قبلاً نوشته بودیم که «موضع گیری پسیف و اپورتونیستی «مائویست های افغانستان» در مسئله انجوایزم «حزب» نشان می دهد که میان «حزب» و یاران «آشتی» صورت گرفته است، ورنه چگونه یک «مائویست» می تواند با این سادگی و معصومیت از مسأله ای به این اندازه مهم سرسری بگذرد... اکنون که مسأله انجوبازی «حزب» آفتابی شد، ما می خواهیم بدانیم: «حزب» با کی ها روابط انجویی دارد؟ این فندهای میلیون دالری در برابر کدام خدمت و وظیفه داده می شود؟ کدام کشورها و سازمان های استخباراتی این پول را می پردازند؟ وظایف مشخص «حزب» در ازای به دست آوردن این فندها چه است؟ نقش رابطه گیری با طالبان در اجرای پروژه ها در کدام سطح قرار دارد؟ کدام ارگان های جهانی و سفارت های کشورهای غربی، نمایندگان این «حزب» را در کنفرانس های متذکره منظور می کنند؟ نقش مستقیم امپریالیست های امریکائی در این «کمک»ها در کدام سطح قرار دارد؟ آیا «حزب» مثل «رهائی» از انجوها برای «استفاده از تضادها» کار می گیرد؟ چند تا مدال و ایوارد برای انجام «بهتر» و «خوبتر» و «مؤثرتر» پروژه ها تا حال به دست آورده است؟ آیا کمک ها کافی بوده است؟ آیا اجرای پروژه ها «ریخت و پاش»هائی داشته یا به وسیله «حزب» با انسجام بیشتر صورت گرفته است؟ آیا پس از آن که «حزب» در برنامه خود ثبت کرد که «کمک های و عده شده که در اصل ناکافی اند، موقعی که شکل پرداخت عملی را به خود می گیرند، باز هم نقصان می پذیرند» امپریالیست ها به این درخواست رسیدگی کردند یا نه؟ وقتی «حزب» فریاد زد که «مجموع کمک هائی که داده می شود، در مقایسه با ضرورت های بازسازی اقتصاد فروپاشیده و در مرز انهدام، بسیار ناکافی است»، استعمارگران و جنایتکاران امپریالیست به نماینده «حزب» در کنفرانس های ژنیو، لندن، توکیو، برلین و... چه گفتند؟ وقتی «حزب» صدا بلند کرد که «بخش مهمی از کمک ها به

مصارف غیر مولد اختصاص می‌یابد» و اکنش قاتلان مردم افغانستان که «کمک» می‌کردند، چه بود؟ آیا زمینه‌هایی فراهم شد تا این «کمک»ها در مصارف مولد از نوع سالون‌های عروسی، کارخانه‌ها، بلندمنزل‌ها، خریداری زمین و جایداد و... به مصرف برسند؟ آیا امپریالیست‌ها به این صداها با جبین‌گشاده پاسخ دادند یا با پروپوزل‌سازی‌ها شما را بیش از پیش مصروف ساختند؟ و ده‌ها سؤال دیگر که برای جنبش انقلابی کشور ما بسیار مهم به شمار می‌روند. اگر «مائویست‌ها» نتوانند این سؤالات را پاسخ گویند، کسی «شورش» شان را جدی نگرفته و پیشیزی به آن ارزش قابل نخواهد شد، خواه هزار بار بنویسند که «فقط مارکسیزم-لنینیسم-مائویسم» نه چیزی بیش و نه چیزی کمتر از آن! این‌ها پرسش‌های عمده و اساسی و پاسخ به آن‌ها از طرف «مائویست‌ها» تعیین‌کننده ماهیت واقعی «شورش» آنان است، حتی اگر این «شورش» در اروپا هم باشد! حال «مائویست‌ها» اختیار دارند که جنبش انقلابی را در شناخت این «حزب» کمک می‌کنند یا با سکوت و مماشات با انجوایزم این «حزب»، اپورتونیزم را پیشه ساخته، در کنار «حزب» قلم گرفته علیه ما می‌نویسند. انتخاب از آن «مائویست‌ها» است!

و «مائویست‌های» «جوتکی» به زودی راه اپورتونیزم، راهی را که بر آن رفته بودند، دوباره انتخاب کردند و به جای این که به سؤالات ما پاسخ بگویند، قلم گرفتند و علیه ما نوشتند و فصل‌های فحاشی، دروغ‌گوئی و حمله را بیرون دادند و «زبان اینجوئی» ولی بدون «لهجه» شان را صاف و ساده به اثبات رساندند.

«مائویست‌ها» چنان با «زبان اینجوئی» خوی و عادت گرفته‌اند که اولاً با «لهجه» صحبت نمی‌کنند، و اگر بالفرض ضرورت بیفتد، تا با «لهجه» صحبت کنند، می‌توانند با چندین «لهجه» صحبت کنند، بدون اینکه باکی داشته باشند که دهن شان کج و لاشتک‌های آن کشدار خواهد شد، چنانچه با «لهجه» هالندی می‌گویند: «رفقای ما نباید در این دام توطئه نفاق افکنانه بیافتند و دقیقاً درک کنند که ما نه ملت داریم و نه قبیله و ننگ داریم که زبان، فرهنگ ملی، خصوصیات روانی و منطقه زندگی یک اهالی را بر اهالی دیگر افغانستان رجحان بدهیم. ما فقط یک چیز داریم که طبقه ما یعنی طبقه کارگر است و مبارزه ما با طبقات استثمارگر و مزدوران خبرچین آنها مبارزه طبقاتی است.» (بیانیه مائویست‌های افغانستان، ۲۳ ثور ۱۳۹۰) ولی با «لهجه» «افغانستانی» چنین ارشاد می‌کنند: «در حال حاضر ملیت پشتون {به شمول کارگران، دهقانان و سایر زحمتکشان} در افغانستان ملیت ستمگر است... پروژه‌های عظیم زراعتی مانند فارم‌های هده، غازی‌آباد و نهرها و کانال‌های آبیاری و زمینهای زراعتی درجه اول و جلگه‌های سرسبز افغانستان نیز به ملیت پشتون {به شمول کارگران، دهقانان و سایر زحمتکشان} تعلق دارد...» مگر این قطعه خنده‌دار و مبتذل، نمونه واقعی «زبان اینجوئی» نیست؟ مگر این عبارت پردازی با زبان «کامران میرهزار»، «فرشته حضرتی»، «حفیظ منصور»، «زریاب»، «پرتو نادری» و «عطا محمد نور» تفاوتی دارد؟ مگر آنان از «فاشیسم پشتون‌ها»، «اوغان‌های فاشیست»، «دولت پشتون‌ها» و «حاکمیت قبیله» غیره نمی‌نالند و «راه حل» را در تجزیه افغانستان نمی‌بینند؟

ادامه دارد.